

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۷ (پیاپی ۲۴) بهار ۸۹

انسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل دهلوی، بررسی و

مقایسه ده غزل سعدی و ده غزل بیدل* (علمی - پژوهشی)

دکتر محمد جعفر یاحقی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

محمد هادی فلاحی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

این پژوهش در پی بررسی و مقایسه عوامل ایجاد انسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل، دو تن از شاعران نامدار سبکهای عراقی و هندی است. این تجزیه و تحلیل بر اساس الگوی انسجام متنی هالییدی و حسن صورت می‌گیرد. در غزلیات مورد بررسی تعداد این عوامل به ترتیب عبارات است از: عوامل واژگانی، ارجاع، عوامل ربطی، حذف و جانشینی. وجود این عوامل، متن را از نوشته‌های پراکنده متمایز می‌سازد و متن را منسجم و همبسته می‌کند. تعداد عوامل انسجامی در غزلیات سعدی به طور محسوسی بیشتر و طول جمله‌ها کوتاهتر است. می‌توان این دو دلیل را از دلایل سادگی و فهم پذیری غزلیات سعدی نسبت به غزلیات بیدل دانست.

کلید واژه‌ها: شعر سعدی، غزل بیدل، انسجام متنی در شعر، شعر کلاسیک، حذف و جانشینی در شعر.

مقدمه

بیش از هزار و یک صد سال از عمر رسمی درخت تناور و پرثمر شعر و ادب فارسی دری می‌گذرد. ادبیاتی که در اعماق فرهنگ و اندیشه‌های ملی و دینی مردمی بزرگ ریشه

* تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۸/۲/۲۹

* تاریخ ارسال مقاله: ۸۷/۳/۱۹

دارد. با این حال تحقیقات و مطالعات زبانی چندانی که به شیوه ای علمی به بررسی ادبیات پرداخته باشد از سوی ادیبان و زبان‌شناسان در مورد این زبان و ادبیات غنی آن به کار گرفته نشده است. از سوی دیگر زبان‌شناسی نوین از آغاز قرن بیستم با اندیشه های فردینان دوسوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷) به صورت یک رشته علمی مستقل در کنار سایر علوم بشری تکوین یافته، سرعت رشد کرد و رو به گسترش نهاد آن گونه که اگر چه هنوز بیش از یک قرن از تولد دوباره آن نمی گذرد، شاهد رشد شاخه های گوناگون آن هستیم.

تجزیه و تحلیل گفتمان یا سخن کاوی^۱ از جمله گرایشهای نوین علم زبان‌شناسی است که در چند دهه اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. فصل مشترک همه تعاریف از گفتمان این است که "گفتمان (سخن) واحد بزرگتر از جمله است" (باغینی پور، ۱۳۷۵، ص ۱۷). بنابراین منظور از تجزیه و تحلیل گفتمان، مطالعه چگونگی ساخت و نظام عناصر زبانی فراتر از جمله است. در این رویکرد، زبان از چند جنبه مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد؛ از جمله ساخت آغازگر- بیانگری، ساخت اطلاعات، عوامل انسجامی، ساخت خرد و کلان و عناصر شبه زبانی. زبان‌شناسی متن نیز شاخه ای از تحلیل گفتمان است که بر مطالعه متون و سازمان متن نوشتاری تأکید می ورزد و بیشتر با انسجامهای ساختاری متن سروکار دارد. مطالعه ویژگیهای متون از قبیل همه آنچه سبب می شود تا نوشته ای را متن بنامیم در حوزه زبان‌شناسی متن است. این شاخه نوپا از زبان‌شناسی در پی حل این مسئله است که متن چیست و چگونه تولید می شود (آفاگل زاده و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۸۹). انسجام متنی^۲ از جمله مباحث مطرح در تجزیه و تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متن است و به عقیده هالیدی و حسن (۱۹۷۶، ص ۴) «منظور از آن، انسجام درونی متن یا روابط بین جمله هاست و یا به عبارت دیگر، وابستگی تعبیر و تفسیر عناصری در متن به تعبیر و تفسیر عناصری دیگر در درون خود متن». این مناسبات وحدت و یکپارچگی به متن می بخشد به طوری که ما می توانیم متن منسجم و به هم پیوسته ای را از مجموعه ای از جمله های جداگانه و نامنسجم تشخیص دهیم. به باور کریستال (۱۹۹۲، ص ۳۸۷) وجود روابط انسجامی یا همان ویژگی متن وارگی، متن را از غیر متن متمایز می کند.

^۱ - discourse analysis

^۲ - textual cohesion

۲- اهمیت تحقیق و روش آن

شفیعی کدکنی (۱۳۶۸) شعر را حادثه ای می‌داند که در زبان رخ می‌دهد. صفوی (۱۳۸۳، ص ۱۱۹) معتقد است «شاید همین تعریف از شعر و تعمیم آن به کل ادبیات را بتوان سبب اصلی توجه زبان‌شناسان به ادبیات دانست؛ زیرا اگر بپذیریم که چنین حادثه ای در زبان روی می‌دهد، بدون تردید بررسی چگونگی آن برای زبان‌شناسی حائز اهمیت خواهد بود.» زبان‌شناسان در پی علمی کردن موضوعات ادبیات هستند و می‌خواهند با معیارهای زبان‌شناختی، مسائل ادبی را توضیح دهند. البته برخی از ادیبان و زبان‌شناسان، زبان و ادبیات را از یکدیگر کاملاً تفکیک می‌کنند و آن دو را به دو حوزه جداگانه متعلق می‌دانند و از مداخله در کار یکدیگر اکراه دارند. برخی ادیبان به توانایی زبان‌شناسی در گره‌گشایی از مشکلات ادبی و پاسخگویی به برخی معضلات به دیده تردید می‌نگرند و استفاده از ابزارهای زبان‌شناختی را در مطالعات ادبی بیهوده و نادرست می‌دانند. البته هستند زبان‌شناسانی همچون دیوید لاج و ف.و. تیسن نیز که معتقدند زبان‌شناسی توانایی آن را ندارد که در کار نقد ادبی نقشی ایفا کند (علوی مقدم، ۱۳۸۱، ص ۶-۱۵۵).

با این حال ادبیات از جنبه‌های گوناگون از دیدگاه ساختگرایی و صورتگرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نظریه‌های مختلفی در این باره ارائه شده است. امروزه زبان‌شناسی در حوزه‌های سبک‌شناسی و نقد ادبی به کار گرفته شده است و سبک‌شناسی زبان‌شناختی و نقد زبان‌شناختی برای خود جایگاهی ویژه یافته‌است و هر کدام نیز شاخه‌ها و مکاتبی را شامل می‌شود. نقد زبان‌شناختی اساساً بر پایه عقاید یا کوبسن و فالر شکل گرفته است. این دو زبان‌شناس علاوه بر زبان‌شناسی با ادبیات نیز آشنایی داشتند و علم زبان‌شناسی را در بررسی ادبیات به کار گرفتند. یا کوبسن شعرشناسی را جزء مکمل زبان‌شناسی می‌داند و این گونه استدلال می‌کند که شعرشناسی به مسائل ساختار کلام می‌پردازد و زبان‌شناسی علم جهانی ساختار کلام است (خوزان و پاننده، ۱۳۶۹).

در این پژوهش یک گونه شعری از دو شاعر، سعدی و بیدل با بهره‌گیری از یکی از الگوهای نقش‌گرایی مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد. تعداد ده غزل از دیوان غزلیات سعدی و به همین تعداد غزل از دیوان بیدل به طور اتفاقی انتخاب شد (عنوان غزلها در

پیوست آمده است). سعدی از جمله شاعران سبک عراقی است و غزلیات او غالباً روان و قابل فهم است در حالی که بیدل به دلیل تعلق به سبک هندی، غزلیاتی با مفاهیم پیچیده و مشکل دارد و فهم و درک آنها چندان آسان نیست. این پژوهش به دنبال توصیفی دقیق و جامع از پیوستگی متنی در غزلیات سعدی و بیدل و مقایسه آنهاست. در این تحقیق فرض بر این است که عوامل انسجामी از جمله عوامل مؤثر در تفاوت میان این دو نوع غزلیات است و تلاش ما برای اثبات این فرض است. اگر این پژوهش بتواند بدرستی از عهده این کار برآید و با استفاده از روش تحلیل انسجام متنی - که ابزاری متعلق به حوزه زبانشناسی است - ویژگیها و تفاوت‌های غزلیات این دو شاعر را به دست آورد، می‌توان گفت که استفاده از ابزارهای زبانشناختی در تحلیلهای ادبی کاری درست، علمی و قابل دفاع است. اهمیت این تحقیق از جنبه نظری آن است که مباحث مربوط به انسجام متنی را در دو نمونه شعر فارسی بررسی می‌کند و به زبان‌شناسان و ادیبان ارائه می‌کند و راه را برای تحقیقات بعدی هموار می‌سازد. چنین تحلیلهایی می‌تواند ما را در درک بهتر شعر فارسی یاری رساند و با اسرار کلام بزرگان شعر و ادب بیشتر آشنا سازد. در تشریح چگونگی این تحقیق لازم است ابتدا الگوی هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، که مهمترین الگو در زمینه انسجام متنی است، معرفی شود. هلیدی و حسن از جمله افرادی هستند که در ساختمان متنی و روابط بین جمله ای در زبان انگلیسی مطالعات گسترده ای انجام داده اند. آنان در این مطالعات، روابط میان جمله ای متن را انسجام نامیده، و آن را چنین تعریف کرده اند: «انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان یک متن مشخص می‌کند» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص ۴). آنان پس از اینکه به طور مفصل عوامل انسجام متن را نشان می‌دهند در پایان، الگویی را برای تجزیه و تحلیل این عوامل به شرح زیر معرفی می‌کنند:

عوامل انسجام متنی عبارت است از: عوامل دستوری، عوامل واژگانی و عوامل پیوندی

و هر کدام از این عوامل زیر مجموعه‌هایی به این شرح دارند:

الف- عوامل دستوری عبارت است از: ارجاع^۱، جایگزینی^۲ و حذف^۳

ارجاع: تعبیر و تفسیر عناصری در متن وابسته به تعبیر و تفسیر عناصری دیگر در همان متن است که برای فهم آنها باید به مراجع آنها مراجعه کنیم. مرجع واژه می تواند درون متن و یا بیرون از آن باشد. البته مرجع بیرون از متن در انسجام متنی نقشی ندارد. ارجاع درون متنی نیز خود بر دو نوع پیش مرجع^۴ و پس مرجع^۵ است. در ارجاع پیش مرجع، مرجع پیش از واژه مرجوع قرار گرفته است و در ارجاع پس مرجع، مرجع واژه در جمله های بعدی قرار می گیرد و برای درک آن واژه باید به جلو برویم.

جایگزینی: جایگزینی یک عبارت، اصطلاح و یا یک واژه به جای یک جمله است هلیدی و حسن (۱۹۷۶). در ابتدا انگلیسی را دارای عامل انسجامی جایگزینی دانسته اند ولی بعدا هلیدی (۱۹۸۵) در کتاب خود جایگزینی را زیر مقوله ای از عامل حذف قرار داده است. نورمحمدی (۱۹۸۸) وجود جایگزینی را در زبان فارسی مردود می شمارد ولی تاکی (۱۳۷۸، ص ۷۷) در مقاله خود مواردی از جایگزینی را در زبان فارسی مثال آورده است؛ اما به نظر می رسد با کمی دقت می توان فهمید که این مثالها نیز نمونه هایی از حذف است. در این پژوهش اصوات از جمله موارد جایگزینی به حساب آمده اند؛ زیرا آنها را جایگزین جمله می دانیم که هر یک به تنهایی در بردارنده مفهوم یک جمله است.

حذف: منظور از حذف، حذف یک یا چند عنصر جمله در قیاس با عبارتها و جمله های پیشین است. انواع حذف عبارت است از: حذف اسمی، فعلی و بندی

ب: عوامل واژگانی عبارت است از: تکرار^۶، همایی^۷ مترادف^۸، متضاد^۹، شمول معنایی^{۱۰} و جزء به کل^{۱۱}

- 1 - reference
- 2 - substitution
- 3 - ellipsis
- 4 - anaphoric
- 5 - cataphoric
- 6 - reiteration
- 7 - collocation
- 8 - synonymy
- 9 - antonymy
- 10 - hyponymy
- 11 - meronymy

تکرار: تکرار عناصری از جمله های پیشین در جمله های بعدی. البته در یک متن واژه های بسیاری هست که بیش از یک بار تکرار شده است؛ مانند حروف اضافه و ربط. گر چه این واژه ها را می توان از عوامل انسجام متن دانست، نقش اصلی به عهده واژگان متنی یا محتوایی^۱ است که با حذف آنها ممکن است متن بی معنی و آشفته شود. بنابراین در این پژوهش فقط واژگان محتوایی محاسبه شده است. البته تکرار نوعی قاعده افزایی است که به توازن در شعر منجر می شود و انسجامی که از طریق تکرار حاصل شود انسجامی آهنگین است.

همایی: به ارتباط میان برخی از ماده های واژگانی که معمولاً با هم می آیند، اشاره می کند. به طور کلی همایی آمدن دو یا چند ماده واژگانی است که در بافتهای مشابه ظاهر شوند و چنانچه در جمله های مجاور بیایند یک نیروی انسجام آفرین به حساب می آیند. همایی همان مراعات نظیر است البته با مفهومی گسترده تر؛ مثلاً رابطه میان شمع و گل و پروانه از نوع همایی است.

مترادف: کاربرد واژه های هم معنی است. هر چند صفوی (۱۳۷۹، ص ۱۱۰-۱۰۶) وجود واژه های کاملاً مترادف را غیر ممکن می داند.

متضاد: کاربرد واژه هایی با مفهوم متضاد است.

شمول معنایی: یک مفهوم بتواند چند مفهوم دیگر را شامل شود؛ مثلاً رابطه میان مفهوم واژه درخت و مفاهیم واژه های سرو، چنار و کاج از نوع شمول معنایی است. درخت واژه شامل^۲ سرو، کاج و چنار واژه های زیر شمول^۳ است.

جزء به کل: رابطه کل به جزء میان دو مفهوم؛ مثلاً رابطه میان مفهوم واژه دست و مفاهیم واژه های بازو، آرنج و مچ.

ج- عوامل پیوندی که می تواند ساده باشد؛ مانند اگر، پس، اما و ... و یا مرکب مانند نظر به اینکه، چندان که و ... باشد. یار محمدی (۱۳۷۲، ص ۲۶۹) عوامل پیوندی را این موارد بر می شمرد:

1 - content word

2 - superordinate

3 - hyponymy

- ۱- افزایشی^۱ مانند و، به علاوه، درضمن، مضافا، گذشته از این، علاوه بر این، هم چنین، نیز، نه و غیره.
- ۲- علی^۲ مانند زیرا، برای اینکه، بنابراین، و به این ترتیب، لذا، به علت، به خاطر، از آنجایی که، چون، تنها، نتیجتا، پس، در نتیجه، بدین طریق و غیره.
- ۳- زمانی^۳ مانند وقتی که، سپس، قبل از، تا، پس از، در حالی که، هنگامی که، به محض، فوراً، بعداً، هر وقتی که، و، و غیره.
- ۴- نقیضی^۴ مانند ولی، اما، به جای آن، با این حال، با وجود این، از طرف دیگر، با این همه، مع هذا، در عوض، در مقابل، در حالی که و قس علی ذالک.
- ۵- شرطی^۵ مانند اگر، مگر اینکه، به شرط اینکه، در هر صورت، در صورتی که و غیره.
- ۶- تخصیصی^۶ مانند یعنی، به عبارت دیگر، بویژه، بخصوص، بدین معنی که، به عبارتی، مخصوصاً، به دیگر سخن و غیره.
- ۷- توضیحی^۷ مانند برای مثال، از جمله، برای نمونه و قس علی هذا.
- ۸- امتیازی^۸ مانند حتی اگر، علی رغم، اگر چه، به رغم، هر چند و غیره.

۳- پیشینه تحقیق

تاریخچه مطالعات ادبی در غرب همچون بسیاری دیگر از علوم به قرون چهار و پنج پیش از میلاد در یونان باستان بازمی گردد. در این باره صفوی (۱۳۸۳، ص ۶۴) می گوید «شاید بتوان گفت که نخستین آرای صریح درباره این مسائل به سقراط و افلاطون منسوب است.» از سوی دیگر مباحث فصاحت و بلاغت و معانی بیان که به تنظیم جمله ها جهت

1 - additive
 2 - causative
 3 - temporal
 4 - adversative
 5 - conditional
 6 - specifying
 7 - illustrate
 8 - concessive

بهرتر بیان کردن مقصود می پردازند، هم چنین اصول طرحریزی و سازمان بندی کلام و روشهای مختلفی که خطابه و بیان را مورد بررسی قرار می دهند، سابقه ای طولانی و تاریخی دارد؛ ولی تجزیه و تحلیل گفتمان به صورت جدید از حدود سی سال پیش آغاز شده است (یارمحمدی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۱؛ لطفی پورساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۱). در زمینه تحلیل گفتمانی و متنی در زبان فارسی، پژوهش های چندی در مورد متون ادبی فارسی انجام شده است. یکی از مهمترین این تحقیقات تجزیه و تحلیل متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتز جرالد توسط یار محمدی (۱۳۸۳، ص ۳۴) است. وی در این تحلیل سه عنصر مهم توصیف، توصیه و تعلیل را، که همان چارچوب فکری شاعر بوده است، کشف کرده است. در زمینه انسجام متنی - که موضوع این تحقیق است - در زبان فارسی تحقیقاتی در مورد متون ادبی، داستانی، عرفانی، فلسفی، قرآنی و علمی انجام شده است. از جمله این تحقیقات می توان به پایان نامه های رحمانی (۱۳۸۳)، پورحسینی (۱۳۸۵)، (مؤمنی ۱۳۸۰) و (همتی راد ۱۳۸۲) اشاره کرد که درباره متون ادبی و داستانی انجام شده است. در این زمینه هم چنین مقاله ای است چاپ نشده از جهانگیری و زکی پور با عنوان «انسجام واژگانی در داستانهای کوتاه فارسی برای کودکان». در همه این پژوهش ها که در مورد متون نثر انجام شده است، ارجاع، بیشترین نقش انسجامی را به عهده دارد اما شهبازی (۱۳۷۸) با بررسی هفتاد غزل از غزلیات عاشقانه سعدی در می یابد که انسجام واژگانی بیش از نصف کل عوامل انسجامی را در بر می گیرد و پس از آن به ترتیب ارجاع، عوامل ربطی و حذف قرار دارد. نتایج پایان نامه های حسینی (۱۳۷۹) و افراسیابی (۱۳۸۰) نیز که به بررسی اشعار مآذون، شاعر قشقایی و اشعار فروغ فرخ زاد می پردازند، همچون نمونه یاد شده است. نور محمدی (۱۹۸۸) در پایان نامه خود، که به مقایسه و تحلیل عوامل انسجام متنی در فارسی و انگلیسی می پردازد به این نتیجه می رسد که در فارسی عامل جانشینی وجود ندارد. در مورد متون علمی نیز کارهایی انجام شده است که می توان به آرمیون (۱۳۸۳) و روشن و همکاران (۱۳۸۶) اشاره کرد که از میان متون علمی در رشته شیمی کار کرده اند. صفر شریف (۱۳۸۵) و آذر نژاد (۱۳۸۵) نیز به تحلیل عوامل انسجام متنی در متون قرآنی پرداخته اند.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها

غزلیات بیدل		غزلیات سعدی			
درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۵۱/۴	۳۵	۳۳/۹	۵۷	افزایشی	ربطی
۰	۰	۲/۳	۴	نقیضی	
۱۶/۱	۱۱	۵/۹	۱۰	زمانی	
۱۹/۱	۱۳	۱۴/۸	۲۵	شرطی	
۱/۴	۱	۹/۵	۱۶	علی	
۴/۴	۳	۱/۷	۳	تناوبی	
۲۵	۱۷	۳۱/۵	۵۳	توضیحی	
۰	۰	۰	۰	تحقیقی	
۱۱/۵	۶۸	۱۹/۲	۱۶۸		ارجاع
۷۹/۲	۱۰۳	۷۸/۵	۱۳۹	ضمایر	
۱۸/۴	۲۴	۱۹/۲	۳۴	ادوات اشاره	
۲/۳	۳	۲/۲	۴	صفت تفصیلی	
۲۲/۱	۱۴۰	۲۰/۲	۱۷۷		واژگانی
۷۰/۳	۲۶۳	۵۹/۱	۲۹۵	تکرار	
۳/۴	۱۳	۷/۰	۳۵	متضاد	
۲/۴	۹	۳/۰	۱۵	متضاد	
۱۸/۴	۶۹	۱۶/۸	۸۴	همایی	
۱/۴	۶	۱/۲	۶	شمول معنایی	
۳/۷	۱۴	۱۲/۸	۶۴	جزء به کل	
۶۳/۷	۳۷۴	۵۷/۲	۴۹۹		

					حذف
۰	۰	۱۵	۳	اسمی	
۶۰	۹	۷۵	۱۵	فعلی	
۴۰	۶	۱۰	۲	بندی	
۲/۵	۱۵	۲/۲	۲۰		
۰	۰	۱۰۰	۸		جانشینی
۰	۰	۹	۸		
	۵۸۷		۸۷۲		تعداد کل
۱۷۵۰		۱۶۷۰			تعداد واژه
۲۷۰		۳۶۰			تعداد جمله
۱۰۷		۱۰۳			تعداد بیت
۶/۴		۴/۶			تعداد واژه در جمله
۱۶/۳		۱۶/۲			تعداد واژه در بیت

جدول شماره (۱)

جدول شماره (۱) نشاندهنده تجزیه و تحلیل و مقایسه عوامل انسجामी در غزلیات

برگزیده سعدی و بیدل است. نتایج این جدول عبارت است از:

۱- از عوامل انسجामी ربطی در غزلیات سعدی به ترتیب از عوامل افزایشی، توضیحی، شرطی، علی، زمانی، نقیضی و تناوبی استفاده شده و در غزلیات بیدل، ترتیب بهره‌گیری از این عوامل عبارت است از افزایشی، توضیحی، شرطی، زمانی، تناوبی و علی. از عامل ربطی نقیضی نیز استفاده نشده است. مقایسه این دو ترتیب بهره‌گیری از عوامل ربطی نشان می‌دهد که هر دو شاعر، بیشترین استفاده را از عوامل افزایشی، توضیحی و شرطی کرده‌اند. در مجموع، سعدی ۱۹/۲ درصد و بیدل ۱۱/۵ درصد از عوامل ربطی بهره گرفته‌اند.

۲- عوامل ارجاعی در هر دو مجموعه از غزلیات، کاربرد تقریباً یکسان دارد

به گونه‌ای که در هر مجموعه، ضمیر، بیشترین کاربرد را دارد (سعدی ۷۸/۵ درصد، بیدل

۷۹/۲ درصد). در مجموع در غزلیات سعدی، ۲۰/۲ درصد و در غزلیات بیدل ۲۲/۱ درصد از عوامل ارجاعی استفاده شده است.

۳- از میان عوامل انسجامی واژگانی، سعدی به ترتیب از این عوامل بهره می‌گیرد: تکرار، همایی، جزء به کل، متضاد، مترادف و شمول معنایی. کاربرد این عوامل در غزلیات بیدل نیز دقیقاً همین ترتیب را دارد. نتیجه اینکه هر دو شاعر در به‌کارگیری عوامل واژگانی یک رویکرد داشته‌اند و تفاوت آنها در میزان به‌کارگیری از هر یک از این عوامل است. کاربرد این عوامل در غزلیات سعدی در مجموع، ۵۷/۲ درصد در غزلیات بیدل، ۶۳/۷ درصد است.

۴- عامل انسجامی نیز در هر دو مجموعه از غزلیات کاربرد دارد به گونه‌ای که در هر دو مجموعه، حذف فعل، بیشترین کاربرد را دارد. سعدی پس از عامل حذف فعل، از حذف اسمی و سپس از حذف بند استفاده کرده است. بیدل از حذف اسمی استفاده نکرده ولی به میزان زیادی از حذف بند (۴۰ درصد) استفاده کرده است. در مجموع، سعدی ۲/۲ درصد و بیدل ۲/۵ درصد از عامل حذف بهره گرفته‌اند.

۵- در غزلیات سعدی از عامل جانشینی به میزان بسیار کم (۰/۹ درصد) و در غزلیات بیدل اصلاً از این عامل استفاده نشده است.

۶- رویکرد هر دو شاعر در بهره‌گیری از عوامل انسجام متنی تقریباً یکسان است: در هر دو دسته از غزلیات، عوامل واژگانی بیش از نیمی از عوامل انسجامی را شامل می‌شود (۵۷/۲ درصد و ۶۳/۷ درصد). پس از آن عوامل ارجاعی با ۲۰/۲ درصد و ۲۲/۱ درصد قرار دارد. در پایان نیز عامل جانشینی است که تنها در غزلیات سعدی دیده می‌شود. این ترتیب عوامل انسجامی در پژوهش‌های دیگری نیز که در مورد متون شعری انجام شده است - و به آنها اشاره شد - دیده می‌شود و می‌توان گفت این موضوع از ویژگیهای متون شعری است به گونه‌ای که یارمحمدی (۱۳۷۴، ص ۴۷) معتقد است «در شعر، انسجام واژگانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است».

۷- در غزلیات سعدی تعداد عوامل ربطی از نوع علی و توضیحی بسیار بیشتر از تعداد این عوامل در غزلیات بیدل است (نسبت ۱۶ به ۱ و ۵۳ به ۱۷). توجه به این موضوع لازم است؛ زیرا عوامل علی و توضیحی، متن را شفافتر می‌کند و برای رویدادها علت و

توضیح می آورد. پس تعداد بیشتر این عوامل را در غزلیات سعدی می توان دلیلی بر روانتر و شفافتر بودن این غزلیات در مقایسه بیدل دانست.

۸- در عوامل واژگانی نیز توجه به نوع همایی ها قابل توجه است به گونه ای که با توجه به این عامل شاید بتوان تا حدودی تعلق هر غزل به هر شاعر را مشخص کرد؛ به عنوان نمونه همایی چشم، مژگان، نظر و ... در ۹ غزل و همایی اعضای بدن انسان مانند دست، پا، سر و ... در هفت غزل بیدل وجود دارد و همایی عشق، عاشق، معشوق، شوریده، دلداه و ... در شش غزل، همایی مرگ، قیامت، مردن و ... در پنج غزل و همایی تیره کمان، پیکان و ... در هفت غزل سعدی وجود دارد.

۹- حذف بند در غزلیات بیدل چهار برابر حذف این عامل در غزلیات سعدی است. بدیهه است که عامل حذف بند و تلاش برای بازیابی عنصر حذف شده، درک متن را دشوار می سازد.

۱۰- با شمارش تعداد واژه ها و جمله های تمام غزلها این نتیجه حاصل شد که تعداد واژه ها در گزیده غزلیات سعدی و غزلیات بیدل تقریباً مساوی و نزدیک به هم است (غزلهای سعدی ۱۶۷۰ واژه و غزلهای بیدل ۱۷۵۰ واژه) ولی تعداد واژه در هر جمله در هر دو مجموعه غزل، تفاوت بسیاری دارد به طوری که در غزلیات سعدی در هر جمله ۴/۶ واژه و در غزلیات بیدل در هر جمله ۶/۴ واژه وجود دارد. و این نشانگر طولانی تر بودن جمله ها در غزلیات بیدل است. طول هر جمله رابطه مستقیمی با دشواری درک و ابهام آن دارد. هر چه جمله ای کوتاهتر باشد، ابهام کمتری دارد و آسانتر درک می شود. بنابراین می توان گفت که یکی از دلایل دیرفهمی و دشوار بودن درک غزلیات بیدل همین موضوع است. شعر سعدی حالت معما گونه ندارد و خواننده می تواند بسرعت به مقصود شاعر پی برد در حالی که غزلیات بیدل اغلب معما گونه است. تفاوت تعداد عوامل انسجامی نیز در این دو مجموعه غزلیات، قابل توجه است و می تواند توجیه کننده سادگی و فهم پذیری غزلیات سعدی و به عکس، درک دشوار غزلیات بیدل باشد. تعداد این عوامل در غزلیات سعدی، ۸۷۲ مورد و در غزلیات بیدل ۵۸۷ مورد است در حالی که هر دو تعداد واژگان به نسبت برابر و تعداد ابیات نزدیک به هم دارند (غزلیات سعدی ۱۰۷ بیت و غزلیات بیدل ۱۰۳ بیت).

نتیجه

مقایسه عوامل ایجاد انسجام در متن و چگونگی توزیع و تعداد آنها در این دو مجموعه از غزلیات، که هر یک متعلق به یک سبک شعری متفاوت است، نشان داد که از این دیدگاه این غزلیات متفاوتند و هر یک ویژگیهای خاص خود را دارند. در اینجا به فرض اولیه خود صحه می‌گذاریم و تعداد عوامل و چگونگی بهره‌گیری از انسجامی را از عوامل مهم در درک متن به شمار می‌آوریم و چنین نتیجه می‌گیریم که هر چه متنی منسجم‌تر و پیوسته‌تر باشد، قابل فهم‌تر و آسان‌تر است. غزلیات سعدی با بهره‌گیری از عوامل انسجامی بیشتر و جمله‌های کوتاه‌تر، فهم آسانتری دارد. بنابراین می‌توان با استفاده از این ابزار زبان‌شناختی - تحلیل انسجام متن - متون ادبی را تحلیل و مقایسه کرد؛ ویژگیهای خاص هر متن را استخراج کرد و تفاوتها و شباهتهای آن‌ها را بر شمرد. هم چنین با به دست آوردن ویژگیهای انسجامی متون مختلف متعلق به هر نویسنده یا شاعر می‌توان ویژگیهایی را به نوشته‌های آن شاعر نسبت داد و آثار او را از دیگران متمایز ساخت. شاید بتوان با استفاده از این روش اصالت تعلق اثر به نویسنده یا شاعر را ثابت کرد که البته این موضوع جای بحث و تحقیق دارد. هم چنین با استفاده از این روش می‌توان بسامد واژگان شعری هر شاعر را مشخص کرد و در نهایت فرهنگ بسامد شعری را تدارک دید. هم چنین می‌توان به کاربردهای دیگر شناخت انسجام متنی در حوزه‌های غیر از ادبیات اشاره کرد؛ از جمله می‌توان به استفاده در تدریس انسان‌نویسی و آیین نگارش، ویرایش متون، ترجمه، خلاصه کردن متون، تصحیح خطاهای املائی در تایپهای رایانه‌ای اشاره کرد. البته در پایان لازم به ذکر است که قضاوت نهایی درباره هر متن به صرف توجه به انسجام متنی، کامل نیست؛ زیرا برای درک کامل هر متن علاوه بر انسجام متنی، وجود همبستگی متنی نیز ضروری است. همبستگی تعبیر و تفسیر متن با توجه به موقعیتهای بیرون از متن یا موقعیت اجتماعی آن و نیز تجربه‌ها و پیش‌ذهنیت‌های ما در درک و فهم متن است (تاکی، ۱۳۷۸،

برگزیده غزلیات سعدی

غزل شماره ۱ صفحه ۲۸

چه کند بنده که گردن نهد فرمان را؟ چه کند گوی که عاجز نشود چوگان را؟

غزل شماره ۲ صفحات ۷۲ و ۷۳

سلسله موی دوست حلقه ی دام بلاست هر که در این حلقه نیست فارغ از این

ماجراست

غزل شماره ۳ صفحه ۱۱۰

دلی که عاشق و صابر بود مگر سنگست ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است

غزل شماره ۴ صفحه ۲۱۸

جان و تم ای دوست فدای تن و جانت مویی نفروشیم به همه ملک جهانت

غزل شماره ۵ صفحه ۲۵۶

آن شکر خنده که پر نوش دهانی دارد نه دل من که دل خلق جهانی دارد

غزل شماره ۶ صفحات ۵۶۲ و ۵۶۳

می روم وز سر حسرت به قفا می نگرم خبر از پای ندارم که زمین می سپرم

غزل شماره ۷ صفحه ۵۸۶

نظر از مدعیان بر تو نمی اندازم تا نگویند که من با تو نظر می بازم

غزل شماره ۸ صفحات ۶۳۲ و ۶۳۳

تو میندار کزین در به ملامت بروم دلم این جاست بده تا به سلامت بروم

غزل شماره ۹ صفحه ۶۹۰

وه که جدا نمی شود نقش تو از خیال من تا چه شود به عاقبت در طلب تو حال من

غزل شماره ۱۰ صفحات ۹۳۲ و ۹۳۳

ای که انکار کنی عالم درویشان را تو ندانی که چه سودا و سرست ایشان را

گزیده غزلیات بیدل:

غزل شماره ۱ صفحه ۷۹

زبس جوش اثر زد از تب شوق تو یا ربها فلک در شعله خفت از شوخی تبخال کوکب ها

غزل شماره ۲ صفحه ۱۳۸

از روانی در تحیر هم اثر می دارد آب گر همه آینه باشد در به در می دارد آب

غزل شماره ۳ صفحات ۲۰۶ و ۲۰۷

بی تو در هر جا دل صبر آزما خواهد شکست شیشه کهسار در گرد صدا خواهد شکست

غزل شماره ۴ صفحه ۳۶۶

هچ کس جز یاس غمخوار من دیوانه نیست بر چراغ داغ غیر از سوختن پروانه نیست

غزل شماره ۵ صفحه ۵۵۹

ز زلف و روی و تا دیده ام سیاه و سفید به جای دیده پسندیده ام سیاه و سفید

غزل شماره ۶ صفحه ۶۸۱

هر نفس دل صد هزار اندیشه پیدا می کند جنبش این دانه چندین ریشه پیدا می کند

غزل شماره ۷ صفحه ۸۴۶

بر خموشی زده ام فکر خروشی دارم تا توان ناله درودن نفسی می کارم

غزل شماره ۸ صفحه ۹۲۷

زبس لبریز حسرت دارد امشب شوق دیدارم چکد آینه ها بر خاک اگر مژگان بيفشارم

غزل شماره ۹ صفحه ۱۰۲۶

به کنج ابروی دلدار خال فتنه کمین سیاه پوش سیه خانه ایست گوشه نشین

غزل شماره ۱۰ صفحه ۱۱۳۴

به غبار عالم جست و جو ز چه یاس خسته نشسته ای که به پیش پای تو یک دل است و هزار شیشه

شکسته ای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

غزلیات سعدی

غزلیات بیدل

غزلیات بیدل		غزلیات سعدی		تعداد	درصد	رابطی
تعداد	درصد	تعداد	درصد			
۵۱/۴	۳۵	۳۳/۹	۵۷	افزایشی		
.	.	۲/۳	۴	نقیضی		
۱۶/۱	۱۱	۵/۹	۱۰	زمانی		
۱۹/۱	۱۳	۱۴/۸	۲۵	شرطی		
۱/۴	۱	۹/۵	۱۶	علی		

۴/۴	۳	۱/۷	۳	تناوبی	
۲۵	۱۷	۳۱/۵	۵۳	توضیحی	
۰	۰	۰	۰	تحقیقی	
۱۱/۵	۶۸	۱۹/۲	۱۶۸		ارجاع
۷۹/۲	۱۰۳	۲۸/۵	۱۳۹	ضمایر	
۱۸/۴	۲۴	۱۹/۲	۳۴	ادات اشاره	
۲/۳	۳	۲/۲	۴	صفت تفضیلی	
۲۲/۱	۱۳۰	۳۰/۲	۱۷۷		واژگانی
۷۰/۳	۲۶۳	۵۹/۱	۲۹۵	تکرار	
۳/۴	۱۳	۷/۰	۳۵	متضاد	
۲/۴	۹	۳/۰	۱۵	مترادف	
۱۸/۴	۶۹	۱۶/۸	۸۴	همایی	
۱/۴	۶	۱/۲	۶	شمول معنایی	
۳/۷	۱۴	۱۲/۸	۶۴	جزء به کل	
۶۳/۷	۳۷۴	۵۷/۲	۴۹۹	پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	
۰	۰	۱۵	۳	اسمی	حذف
۶۰	۹	۷۵	۱۵	فعلی	
۴۰	۶	۱۰	۲	بندی	
۲/۵	۱۵	۲/۲	۲۰		
۰	۰	۱۰۰	۸		جانشینی
۰	۰	۱/۹	۸		
	۵۸۷		۸۷۲		تعداد کل

۱۷۵۰	۱۶۲۰		تعداد واژه
۲۷۰	۳۶۰		تعداد جمله
۱۰۷	۱۰۳		تعداد بیت
۶/۴	۴/۶		تعداد واژه در جمله
۱۶/۳	۱۶/۲		تعداد واژه در بیت



فهرست منابع

- ۱- آرمیون، مریم. (۱۳۸۳). بررسی ویژگی های زبان علم در کتاب های شیمی دوره متوسطه عمومی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۲- آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۳- آفاگل زاده، فردوس و علی افخمی. (۱۳۸۳). "زبان شناسی متن و رویکردهای آن"، مجله زبان شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، سال نوزدهم. شماره اول.
- ۴- افراسیابی، فرامرز. (۱۳۸۰). تجزیه و تحلیل زبان، شناسانه اشعار فروغ فرخ زاد، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، دانشگاه شیراز.
- ۵- باغینی پور، مجید. (۱۳۷۵). "نگاهی گذرا به جنبه هایی از سخن کاوی"، مجله زبان شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، سال سیزدهم. شماره اول و دوم.
- ۶- بیدل دهلوی، ابوالمعالی میرزا عبدالقادر. (۱۳۴۲). دیوان غزلیات بیدل دهلوی. چاپ هند، دیوهنی مطبعه.
- ۷- پورحسینی، فخری. (۱۳۸۵). بررسی عوامل انسجام در داستان های کوتاه سیمین دانشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۸- تاکی، گیتی. (۱۳۷۸). «پیوستگی و همبستگی متن یا انسجام و ارتباط مطالب در زبان فارسی»، مجله زبان شناسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، سال چهاردهم. شماره اول و دوم.
- ۹- جهانگیری، نادر، زکی پور، شهربانو. (۱۳۸۴). «انسجام واژگانی در داستان های کوتاه فارسی برای کودکان». مقاله در دست چاپ. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۰- حسینی، شهیدقلی. (۱۳۶۹). تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات ترکی مأذون- شاعر قشایی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه شیراز.
- ۱۱- خوزان، مریم و پاینده، حسین. (۱۳۶۹). زبان شناسی و نقد ادبی. تهران: نشرنی.

- ۱۲- رحمانی، فاطمه. (۱۳۸۳). بررسی عوامل انسجام در آثار جلال آل احمد "مدیر مدرسه، نون والقلم"، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۱۳- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین. (۱۳۶۶). دیوان غزلیات، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات سعدی.
- ۱۴- شفیع کدکنی، محمد رضا. (۱۳۶۸). موسیقی شعر ج دوم. تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۵- شهبازی، ایرج. (۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی، پایان نامه ارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، دانشگاه شیراز.
- ۱۶- صفر شریف، حمید رضا. (۱۳۸۵). روابط انسجامی در دو سوره جمعه و الرحمن از قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۱۷- صفوی، کورش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۱۸- صفوی، کورش. (۱۳۸۳). از زبان شناسی به ادبیات، ۲ جلد. انتشارات سوره مهر.
- ۱۹- علوی مقدم، مهیار. (۱۳۸۱). نظریه های نقد ادبی معاصر (صورتگرایی و نقش گرای). تهران: انتشارات سمت.
- ۲۰- لطفی پور سعدی، کاظم. (۱۳۷۱). «درآمدی به سخن کاوی»، مجله زبان شناسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. سال نهم. شماره اول.
- ۲۱- مؤمنی، آرزو. (۱۳۸۰). تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد در دو سطح خرد و کلان. پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، دانشگاه شیراز.
- ۲۲- همتی راد، زهرا. (۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل گفتمانی مجموعه یکی بود یکی نبود محمد علی جمال زاده در دو سطح خرد و کلان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان. دانشگاه شیراز.
- ۲۳- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۲). شانزده مقاله در زبان شناسی کاربردی و ترجمه، شیراز: انتشارات نوید.
- ۲۴- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۴). پانزده مقاله در زبان شناسی مقابله ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن و گفتمان. تهران: انتشارات رهنما.

۲۵- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۳). *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*. تهران: انتشارات هرمس.

26-Crystal, D., an Encyclopedic dictionary of Language and Languages, Blackwell, 1992.

27-Halliday, M.A.K., An Introduction to Functional Grammar, London: Edward Arnold, 1985.

28-Halliday, M.A.K. & Hasan, R., Cohesion in English, London: Longman, 1976.

29-Noormohammadi, E. A Contrastive Analysis of Cohesion in English & Persian, Shiraz university, M.A. thesis, 1988.